

اصول و راهکارهای تفسیر قرآن بر اساس مقتضیات زمان*

نعمت اله جعفری** و مهدی باکویی***

چکیده

تفسیر براساس مقتضیات زمان و مکان، آن هم به صورت معتبر و با رعایت ضوابط و مصون ماندن از افتادن در تفسیر به رای و برداشت های خطا کارانه، از ضروری ترین فرایندها برای پاسخگویی به نیازهای انسان های معاصر است. بررسی ابعاد مقتضیات زمان، توجه به اصول و مبانی تفسیر براساس اقتضای زمان (عدم تحریف قرآن، الهی بودن الفاظ قرآن، حجیت ظواهر قرآن، جاودانگی قرآن و...) و رعایت قواعد و ضوابط آن (عدم مخالفت با سنت قطعی و حکم عقل قطعی و مطالب قطعی علوم تجربی و...)، و راهکارهایی چون: بطن پژوهی با توجه به دیدگاه های مختلف به ویژه بر اساس دیدگاه آیت الله معرفت در بطن گیری از آیات، نسخ پژوهی با تکیه بر نسخ مشروط و تدریجی و تمهیدی، نظریه منطقه الفراغ شهید صدر، توجه به تفسیر موضوعی (درون قرآنی، برون قرآنی و میان رشته ای)، نظریه پردازی های شهید مطهری، عقل تشریعی، مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام)، امام خمینی (ره) و توجه به اجتهاد پویا و نقش زمان و مکان در اجتهاد، نقش عرف در تفسیر روزآمد، ابتناء علوم انسانی بر قرآن، رویکردهای علمی و اجتماعی، از جمله راهکارهای تفسیر بر اساس مقتضیات زمان و مکان معتبر است. این نوشتار در صدد پاسخ به این پرسش است که اصول و راهکارهای تفسیر قرآن براساس نیازهای زمان کدامند؟ روش تحقیق به صورت کتابخانه ای و با رویکرد اسنادی اما تحلیلی و بنیادی مبتنی بر استخراج دستاوردهای کاربردی است.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر، راهکارها، مقتضیات، زمان، مکان.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶.

**. دانش آموخته دکتری دانشگاه علوم و معارف قم و مدرس گروه معارف دانشگاه فنی و حرفه ای (نویسنده مسئول): njafari.1348@gmail.com

***. استادیار دانشگاه علوم معارف قرآن: bakouei2011@yahoo.com

۱. مفهوم‌شناسی

شهید مطهری رحمه الله نیازهای جامعه بشر را به دو دسته: نیازهای ثابت (مثل عدالت و اخلاق) و نیازهای متغیر تقسیم می‌کند، تا روشن شود که وقتی سخن از نیازهای جامعه معاصر بیان می‌گردد، مقصود نیازهای متغیر جامعه است که مشکلات و پرسش‌هایی را برای بشر مطرح می‌کند و لازم است که قرآن و دین به آنها پاسخ دهند.

شهید مطهری در این مورد می‌فرماید: «مقتضیات زمان به معنای این است که احتیاجات واقعی در [طول] زمان تغییر می‌کند؛ آن وقت احتیاجی که بشر در هر زمان دارد، یک نوع تقاضا می‌کند» (ر. ک: معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۳۸۷: ۲/ ۴۵۹-۵۲۵؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱/ ۳۵۵-۳۶۸؛ شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ۱۳۸۲: ۶۷-۶۸؛ عبدالقادر، اتجاهات التفسیر فی العصر الحدیث، ۱۴۲۴: ۴۵۰-۴۷۹).

۲. تاریخچه بحث

برای پاسخ‌گویی به این پرسش در طول تاریخ اسلام راه‌کارهای متعددی در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام و توسط برخی دانشمندان مسلمان مطرح شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. بطون قرآن، که در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام مطرح شده (کاشانی، الأصفی، ۱۴۱۸: ۱/ ۱۴-۱۵ و البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۳۳۴: ۱/ ۲۰ و مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۸۹/ ۹۵) و در هر عصری لایه‌ای از فهم قرآن ظاهر می‌شود:

۲. قاعده جری، که در احادیث اهل بیت مطرح شده (صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱۹۹ و عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱۴۱۱: ۱/ ۲۲) و در آیات قرآن جاری می‌شود و مفسر را قادر می‌سازد تا آیات قرآن را بر مصادیق جدید تطبیق کند.

۳. رویکرد اجتماعی به قرآن که توسط سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده مطرح شد و توسط سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن؛ آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و مودودی در تفهیم القرآن پی‌گیری شد تا با توجه به بعد اجتماعی قرآن پاسخ پرسش‌ها و نیازهای جدید در عرصه اجتماع داده شود.

۴. نسخ مشروط (تمهیدی و تدریجی) که توسط علامه معرفت مطرح شد و شیوه قانون گذاری تدریجی قرآن و چگونگی برخورد با مشکلات را در هر عصر را بیان می‌کند (معرفت، ۱۴۲۳، ۱۵۰، ۱۷۴ و ۱۸۵).

۵. شهید مطهری رحمته الله در آثار خود به ویژه در کتاب «اسلام و نیازهای زمان» به پرسش فوق توجه کرده و برخی از پاسخ‌های فوق را پذیرفته و بیان کرده است. و بحث‌های را که امام خمینی رحمته الله در اجتهاد پویا و... مطرح نموده‌اند.

کتاب‌هایی به صورت مستقل در باب تفسیر عصری نوشته شده‌اند که، اولین پژوهش مهم به زبان فارسی در زمینه تفسیر عصری، کتاب قرآن و تفسیر عصری استاد سید محمد علی ایازی است (ر. ک: ایازی، قرآن و تفسیر عصری، ۱۳۷۵:). عفت شرقاوی نیز کتاب الفکر الدینی فی مواجهة العصر (اتجاهات التفسیر فی مصرفی العصر الحديث) را با رویکرد بررسی دین و به ویژه متن قرآن به گونه عصری تألیف نموده است (ر. ک: شرقاوی، الفکر الدینی فی مواجهة العصر (اتجاهات التفسیر فی مصرفی العصر الحديث)، ۱۹۷۹:). کتاب‌های دیگری مانند: القرآن محاولة لفهم عصری تألیف مصطفی محمود (ر. ک: فهیم عزیز. علم التفسیر، ۱۹۹۰م: ۱۵۰-۱۵۱؛ عدنان، مدخل إلى تفسیر القرآن و علومه، ۱۴۱۹: ۲۴۸) و نیز القرآن و التفسیر العصری اثر بنت الشاطی (فهیم عزیز. علم التفسیر، ۱۹۹۰: ۱۵۰-۱۵۱) از دیگر کتب مستقل درباره تفسیر عصری است.

در قسمت‌هایی از کتاب‌هایی مانند: تفسیر و مفسران، مرحوم آیت الله محمد هادی معرفت، و در کتاب ارزشمند آرای متفکران معاصر قرآنی جلد دوم و منطق تفسیر قرآن از آثار دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران تألیف دکتر حسین علوی مهر، مبانی و روشهای تفسیری دکتر محمد کاظم شاکر، اتجاهات التفسیر فی العصر الحديث عبدالمجید عبد السلام محتسب و اتجاهات التفسیر فی العصر الحديث عبدالقادر نیز مطالبی درباره تفسیر بر اساس زمان و شرایط روز یافت می‌شود (ر. ک: معرفت. تفسیر و مفسران، ۱۳۸۷: ۲/ ۴۵۹-۵۲۵؛ رضایی اصفهانی. منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱/ ۳۵۵-۳۶۸؛ شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ۱۳۸۲: ۶۷-۶۸؛ عبدالقادر، اتجاهات التفسیر فی العصر الحديث، ۱۴۲۴: ۴۵۰-۴۷۹).

۳. رابطه تفسیر با مقتضیات زمان

تفسیر براساس مقتضیات زمان، به صورت روزآمد سازی متون مقدس یا به عنوان تفسیر عصری، ابتدا، در میان دانشمندان مسیحی و بیشتر در بحث‌های هرمنوتیک مطرح شد. آنان مسأله انطباق واقعیات و تحولات و عرضه کردن تفسیری مناسب عصر و زمان را ضروری

می‌دانستند (ایازی، قرآن و تفسیر عصری، ۱۳۷۵: ۳۳). طبق این معنا، وقتی خدا در کتاب مقدس سخن می‌گوید، مفسر، آن را به گونه‌ای بیان می‌کند که با مفاهیم روز سازگار باشد. در این صورت مفسر کتاب مقدس به عنوان شارح معمولی عمل نمی‌کند، بلکه مفسری است هدف‌دار و جهت‌دهنده که به دنبال انتقال فرهنگ و تمدن از زمانی به زمان دیگر است. یعنی متناسب با فهم مخاطبان جدید، مطالب را عرضه می‌کند (دامن پاك، مقدم، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، ۱۳۸۰: ۷۳). به همین دلیل است که مسیحیان در علم تفسیر خاص، مسأله تطبیق واقعیت‌ها و تحولات و مبتنی شدن تفسیر بر علقه‌ها و دانش‌های مفسر را طبیعی می‌شمارند (ایازی، قرآن و تفسیر عصری، ۱۳۷۵: ۳۳).

به همین دلیل در جهان اسلام، به تدریج، تغییرات بر اساس زمان و پیشرفت‌های جدید، گسترش علم و فلسفه، نیازهای پیچیده جوامع برای راهیابی به معنویت و سعادت، دگرگون شدن لوازم و ابزار زندگی، درخواست از دین برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشر و جامعه و باور به توان قرآن برای پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های بشر؛ در همه اعصار از ویژگی‌های عصر حاضرند (ایازی، تفسیر و مفسران، ۱۳۷۵: ۴۴۹-۴۵۱). از این رو در عصر جدید تحوّل بزرگ و همه‌جانبه در شیوه‌های تفسیری و سبک‌های مختلف آن و روش‌های جدید در تفسیر موضوعی پدیدار گشت (شرقاوی، ل فکر الدینی فی مواجهة العصر، ۱۹۷۹: ۹۲-۹۳). تاریخ تفسیر در یک قرن اخیر با نهضت‌های اجتماعی، به ویژه نهضت‌های اصلاح دینی در سراسر جهان اسلام همراه بوده است. نهضت نوخواهی و نواندیشی در عالم اسلام، خاستگاه و خواسته‌های دینی و نیز دنیوی داشته است. سلسله جنبان نهضت‌های اصلاح‌طلبی در جهان اسلام، مواجهه گسترده با فرهنگ غرب بوده است که به شیوه مستقیم و غیرمستقیم بر ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه اسلامی به ویژه، و در درجه اول بر تحصیل کرده‌ها و روشنفکران اثر نهاده است. خصوصیت اصلی این نهضت‌ها در این بوده است که اسلام را دین پویا و یک نظام کامل دینی و دنیوی و اخلاقی، سیاسی، عبادی و اجتماعی می‌دیده‌اند.

۴. مبانی تفسیر (اصول)

مبانی تفسیر قرآن به آن دسته از پیش فرض‌ها و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آنها، به تفسیر قرآن با لحاظ اصول تفسیر موضوعی می‌پردازد (شاكر، مبانی و روش‌های تفسیری، ۱۳۸۲: ۴۰). همانند:

۱-۴. عدم تحریف قرآن

مفسر در فرآیند تفسیر نیاز دارد تا اثبات کند قرآن تحریف نشده است؛ زیرا برای استدلال به یک قانون جاودانه الهی به عنوان اصول و دستوراتی برای تمامی اعصار، لازم است تا ثابت گردد از دست اندازی غیر خدا در امان مانده است.

۲-۴. الهی بودن الفاظ قرآن

مفسر در فرآیند تفسیر نیاز دارد تا اثبات کند الفاظ قرآن، همانند محتوای معنایی آن وحیانی و قدسی و الهی است؛ زیرا فقط در این صورت است که می تواند به این الفاظ به عنوان قرآن تمسک کند و آنها را تفسیر نماید.

۳-۴. نیازمندی قرآن به تفسیر

علوم و معارف نهفته در قرآن کریم دارای سطوحها و مرتبه‌هایی گوناگون است و دلالت آیات کریمه بر آن معارف، یکسان نیست؛ فهمیدن قسمتی از این معارف، برای عموم آسان است، ولی فهمیدن بخش یا مراتب دیگری از معانی آیات قرآن، برای بسیاری از افراد - هرچند از ادبیات عرب بهره‌افری داشته باشند - بدون تفسیر ممکن نیست.

۴-۴. حجیت ظواهر قرآن

یکی از زیر ساخت‌های مهم در فهم و تفسیر قرآن، حجیت ظواهر آن است، که مهم‌ترین دلیل آن بنای عقلا است؛ چون روش عقلا در نوشته‌ها و گفته‌ها، آن است که هنگام تعیین مراد و مقصود گوینده، از ظاهر کلام او پیروی و به آن استدلال می‌کنند و شارع مقدس اسلام نیز از این روش عقلایی منع نکرده است.

۵-۴. حقیقت‌گو و واقع‌نما بودن قرآن

از حضرت باقر و حضرت صادق (علیه السلام) است: قرآن خبرهایی از گذشته داده است در آن باطل نبوده و نیز خبرهایی که از آینده می‌دهد حق است و باطل در آن راه نخواهد داشت، بلکه تمام اخبار قرآن موافق واقع می‌باشد (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۲۳/۹). نهایتاً از آنجا که قرآن حق است و از سوی حق نازل شده، زبان آن معرفت بخش و گویای واقعیت است و نه جز آن (سعیدی روشن، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، ۱۳۸۳: ۳۹۱).

۶-۴. هدفمندی و هدایت گری قرآن

در حقیقت تمام هدف های تربیتی و انسانی، معنوی و مادی نزول قرآن، در همین یک جمله جمع است: «بیرون ساختن از ظلمت ها به نور!» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۶۲/۱۰؛ جلالیان، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ۱۳۷۸: ۱۸۹). توجه به هدفمندی قرآن و هدایت گری آن، به تفسیر قرآن جهت می دهد، یعنی مفسر قرآن به همه آیات با نگاه هدایت گرانه می نگرد و آنها را تفسیر می کند.

۷-۴. جاودانگی قرآن

قرآن، تنها معجزه پایدار و جاودانه است، که لزومی به همراهی آورنده اش با خود ندارد و در هر دوره و عصری خود گویای حقانیت خویش است؛ و جامع یعنی برای تمام دوره ها و افراد. این مبنا از کلیدی ترین مبانی تفسیر است که مفسر برای بهره مندی حداکثری از ساحت قرآن، لازم است آن را بپذیرد.

۸-۴. فراگیری و شمول قرآن

مقصود از فراگیری و شمول قرآن، این است که قرآن برای همه اعصار و امصار است. برای همه نسل ها و شهرهاست.

۹-۴. چند ساحتی بودن زبان قرآن

زبان قرآن، عرف خاص است که ترکیبی از زبان های عرفی، ادبی، علمی، چند ساحتی، چند لایه (بطون)، گاه رمزی، کنایی، مجازی، اخباری و انشایی و تمثیلی است؛ اما زبان اسطوره ای (غیر واقعی و خیالی) نیست. در همان حال، زبان قرآن، موافق فطرت و دارای اصطلاحات خاص با معانی ویژه (مثل مؤمن، کافر، منافق، عرش، کرسی و...) است. نیز روش شناسی خاصی در فهم و تفسیر خود دارد، یعنی دارای پیش فرض های بنیادین فهم و تفسیر است و تفسیر به رأی در آن ممنوع است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱/۱۶۶).

۵. ضوابط (قواعد) تفسیر

محققان روش‌شناسی تفسیر قرآن، علاوه بر مبانی، (اصول) ممکن است از ضوابط (قواعد) تفسیر نیز بحث کرده باشند. اگر مفسر با رعایت ضوابط تفسیر، تفسیر معتبری ارائه کرد، منبع خوبی برای مطالعه، استفاده، نقد و بررسی دیگران می‌شود (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۱/۳۷). ضوابط جمع ضابطه به معنای قاعده و ملاک و مناط است (واسطی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴: ۱۰/۳۲۲). پس ضوابط قواعدی است که در صورت وجود یا عدم آن در تفسیر و ملاک قرار دادنش در فرآیند تفسیر سبب اعتبار یا عدم اعتبار نتایج تفسیر می‌گردد. مثل موارد ذیل:

۱-۵. عدم مخالفت با سنت قطعی

علماء، سنت را این گونه تعریف می‌کنند: «قول و فعل و تقریر معصوم» (ر.ک: مجلسی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ۱۴۰۶: ۱/۲۰؛ مظفر، أصول الفقه، ۱۳۷۵: ۲/۶۱؛ سبحانی، الموجز فی أصول الفقه، ۱۳۸۷: ۱۶۱). یعنی باید مفسر در تفسیر خود هر آنچه از سنت قطعی آمده را رعایت کند.

۲-۵. عدم مخالفت با حکم عقل قطعی

برهان‌های عقلی، قطع آور است و حجیت ذاتی دارد (ر.ک: مظفر، أصول الفقه، ۱۳۷۵: ۲/۲۱؛ فارابی، الجمع بین رأی الحکیمین، ۱۴۰۵: ۸۱-۸۲). در روایات آمده است که عقل حجت باطنی است (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۱/۳۵) در نتیجه از جمله ویژگی‌های تفسیر معتبر این است که با حکم قطعی عقل مخالف نباشد.

۳-۵. عدم مخالفت با مطالب قطعی علوم تجربی

اگر مفسر بخواهد از علوم تجربی در تفسیر قرآن بهره ببرد، باید از علوم تجربی استفاده کند که قطعی هستند نه ظنی و گمانی.

۴-۵. مفسر شرایط لازم را داشته باشد

شرایطی هستند که لازمند: مثل آشنایی با ادبیات عرب یعنی صرف، نحو، لغت، معانی و بدیع؛ شناخت تاریخ و علوم قرآن؛ شناخت شأن نزول‌ها و مواضع نزول آیات و تاریخ عرب جاهلی و صدر اسلام؛ ... (ر.ک: سیوطی، الإقتان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۲/۴۳۴-۴۵۵؛

زغلول، التفسیر بالرأی قواعد و ضوابطه و أعلامه، ۱۴۲۵: ۱۷۲-۱۷۵؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۱۳-۱۱۴). وشرایطی دیگر که تکاملی هستند مانند: آگاهی از علم کلام و اصول دین، ایمان، علم الموهبة، آگاهی از مکاتب و علوم مرتبط با قرآن و مبانی و دیدگاه‌ها در مورد آنها (ر.ک: سیوطی، جلال الإتيان فی علوم القرآن، ۱۴۲۱: ۲/ ۴۳۴-۴۵۵؛ عماد علی، التیسیر فی أصول التفسیر، ۲۰۰۶: ۲۷-۳۲؛ التفسیر بالرأی قواعد و ضوابطه و أعلامه، ۱۷۵-۱۷۲؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۱۵-۱۱۸).

۵-۵. آشنایی با روش‌های تفسیر قرآن

لازم است تا مفسری که می‌خواهد بر اساس مقتضیات زمان، قرآن را تفسیر نماید، علاوه بر روش‌های سنتی و مشهور، از روش‌های جدید و ابداعی برخی از علما نیز در صورت اثبات اعتبار آن بهره گیرد. مانند: از روش تفسیر قرآن به قرآن، روش تفسیر نقلی، روش تفسیر عقلی و اجتهادی، روش تفسیر علمی، روش تفسیر جامع، روش تفسیر اشاری با رعایت قواعد اعتباربخشی به آن (ر.ک: عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ۱۳۷۳: ۲۱۴؛ علوی مهر، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۶). بهترین راهکار استفاده از تفسیر موضوعی است.

۵-۶. استفاده از سیاق

سیاق از جمله ضوابطی است که با توجه به راهکار تفسیر اجتهادی و نیز جامع که از تمام قرینه‌ها از جمله، بافت‌شناسی متن استفاده می‌کند و نیز رویکرد ادبی قرآن و همچنین روش تفسیر موضوعی و نیز قرآن به قرآن کاربرد مهمی دارد (ر.ک: رجبی محمود، روش تفسیر قرآن، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

۵-۷. عدم جواز تقلید در تفسیر

از جمله ضوابط لازم عدم جواز تقلید در تفسیر است؛ زیرا یکی از راهکارها استفاده از شیوه اجتهاد در تفسیر است. اجتهاد مفسر اگر براساس ضوابط صورت گرفته باشد برای خودش معتبر و حجت است، اما برای دیگران حجت نیست. ازاین‌رو، تقلید از مفسران جایز نیست (ر.ک: علوی مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ۱۳۸۱: ۲۰۷؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۳۶).

رعایت تناسب بین ظاهر و باطن آیات و عدم مخالفت با آیات محکم نیز از ضوابط تفسیر به مقتضای زمان است.

۶. راهکارها

در این بخش به راهکارهای تفسیر براساس مقتضیات زمان پرداخته می‌شود که در یک نگاه کلی به راهکارهای درون متنی و برون متنی تقسیم می‌شوند.

۱-۶. راه کارهای درون متنی

یک. بطن پژوهی

بطن در لغت ضد ظهر است و به هر موضوع پیچیده‌ای «بطن» و به هر موضوع آشکاری «ظهر» گویند (ر.ک: فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۷/۴۴۰؛ راغب، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۱۳۰). ولی به نظر می‌رسد که در همه جا به یک معنا به کار نرفته است؛ بلکه حداقل در چند معنا استعمال شده است مانند: تأویل قرآن (صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱/۱۹۶؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۰: ۹/۱؛ ماوردی، النکت و العیون، بی‌تا: ۱/۴۱)؛ مصادیق جدید آن (عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰: ۱/۱۱)؛ تدبّر و عمل به آن (متقی هندی، کنز العمال، ۱۴۰۱: ۱/۶۲۲)؛ معنای ژرف قرآن (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۴/۵۹۶)؛ ساحت‌های مختلف آن (ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ۱۴۰۵: ۴/۱۰۷)؛ و... که دو قسم است:

اول - دیدگاه وجود شناختی به بطن

بر اساس این نظریه، قرآن دارای مراتب وجودی است که عالی‌ترین مرتبه آن نزد خدای متعال بوده که در آنجا سخن از الفاظ و معانی نیست. بلکه حقایق وجودی است که توسط جبرئیل به پیامبر نازل می‌شود و به مراتب پایین‌تر الفاظ و معانی تنزل می‌یابد و از طریق پیامبر به مردم ابلاغ می‌شود (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱/۲۲۰). از مطالب امام خمینی رحمه الله این دیدگاه به دست می‌آید (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۸۰: ۱۸۱-۱۸۲).

دوم - دیدگاه معنا شناختی به بطن

بر اساس این دیدگاه، بطن قرآن از سنخ مرتبه عالی وجودی قرآن نیست؛ بلکه از سنخ معانی و مفاهیم است که بر اساس ژرف‌اندیشی در آیات قرآن، در ذهن انسان شکل می‌گیرد (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۱/۲۲۲).

الف) بطن یعنی هدف آیه

بطن قرآن، همان هدف آیه است که با الغای خصوصیت به صورت قاعده کلی استخراج و بر مصادیق جدید تطبیق می‌شود (ر.ک: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۰: ۹/۱؛

ذهبی، التفسیر و المفسرون، بی تا: ۳۵۷/۲؛ معرفت، التفسیر الاثری الجامع، ۱۳۸۳: ۱/۳۰).
آیت الله معرفت چنین اعتقادی دارد (ر. ک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۳/۲۸؛ همان، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۹۱).

ب) بطن قرآن؛ معنای طولی و پنهان آیه

علامه طباطبایی معتقد است که ظاهر، همان معنای ظاهر و بطن معنای نهفته در زیر است، چه آن معنا یکی باشد یا بیشتر، نزدیک به معنای ظاهری باشد یا دور از آن (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۳/۷۴).

ج) بطن قرآن، استعمال لفظ در بیش از یک معنا

آیت الله مکارم شیرازی استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا را جایز می داند.

د) راهکارهای بطن گیری از آیات قرآن

بر اساس دیدگاهی که افراد در تفسیر مسئله بطن انتخاب کرده اند، راهکار نیز متفاوت می شود:

۱. سیر صعودی از عالم شهادت به عالم غیب

براساس نظریه وجود شناختی امام خمینی علیه السلام که بطن را حقیقتی نزد خدا معرفی می کند، یعنی وصول به بطون قرآن همان رجوع از شهادت مطلقه به غیب مطلق است. به عبارت دیگر، قرآن از مقام واحدیت سیر نزولی را طی کرده تا به لباس الفاظ در آمده است و برای دست یابی به حقیقت قرآن لازم است سیر صعودی انجام گیرد.

۲. تدبر در آیات

بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی، که بطن را معانی طولی نهفته در آیات می دانست، روشن می شود که تدبر در آیات و توجه به قرائن موجود در آیات دیگر، یعنی تفسیر قرآن به قرآن، راهکار دست یابی به بطون است.

۳. انجام مراحل چهارگانه برای به دست آوردن بطن (دیدگاه آیت الله معرفت)

براساس دیدگاه آیت الله معرفت، مراحل برای به دست آوردن بطن قرآن لازم است:

الف) به دست آوردن هدف آیه؛ ب) الغای خصوصیت از زمان و مکان و افرادی که در اصل تحقق هدف دخالت ندارند؛ ج) استنباط قاعده کلی از آیه؛ د) تطبیق قاعده کلی مذکور بر مصادیق جدید.

بنابراین همین که می توان با بطن پژوهی بر اساس راهکار آیت الله معرفت به پیام کلی آیه رسید و آن را به عنوان مناط و ملاک کلی قرار داد و دیگر مصادیق معاصر را بر اساس آن انطباق داد و نیز از تفسیر به رأی رهایی یافت که بدون قاعده پیامی را برای آیات قرار نداده ایم. روش بطن گیری از آیات آیت الله معرفت، در مواردی می تواند پیام آیات را در مسایل روز بیان کند.

دو. نسخ پژوهی

دیدگاه دوم آیت الله معرفت در زمینه استفاده روزآمد از قرآن، ابتکارات در نسخ پژوهی است. با توجه به تطوّر فکری علامه معرفت در مورد نسخ و برای روشن شدن مطلب ضروری است که معانی و اقسام نسخ و دیدگاه های صاحب نظران در این مورد به صورت اجمالی بیان می شود. سپس به ابتکارهای ایشان پرداخته می شود.

اول - نسخ مشروط

در این مورد قانون گذار، در شرایطی خاص حکمی قرار می دهد که مشروط به آن شرایط است و هنگامی که شرایط تغییر کرد حکم را تغییر می دهد. مثل آیات جنگ و صلح، که دستور صلح و مدارا با کفار و مشرکان در شرایط ضعف مسلمانان در مکه بوده است اما در شرایط مدینه که مسلمانان قدرتمند شدند، حکم جنگ و قتال با کفار و مشرکان صادر می شود. به عبارت دیگر در شرایط مدینه احکام صلح با کفار و مشرکان (آیات صفح و قتال) به نوعی تغییر می کند و نسخ می شود. و هرگاه شرایط مسلمانان در هر عصری مثل شرایط مدینه باشد حکم جنگ و دفاع جاری می شود (ر.ک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۲/۲۸۶؛ همان، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۲۵۵).

دوم - نسخ تمهیدی

در این مورد قانون گذار می خواهد یک سنت یا حکم غلط که در جامعه جاری است را تغییر دهد. ولی از آنجا که به خاطر شرایط خاص حاکم بر جامعه بشری نمی تواند یکباره آن حکم را تغییر دهد، مقدماتی فراهم می کند که کم کم این سنت یا حکم غلط از صفحه جامعه حذف شود. مثل برخورد قرآن و پیامبر ﷺ و اهل بیت  با برده داری که در جامعه بشری مقارن ظهور اسلام به صورت یک عادت و جزء لاینفک نظام اجتماعی، اقتصادی و نظامی درآمده بود.

سوم - نسخ تدریجی

در این مورد قانون گذار می‌خواهد مرتبه‌ای شدید از یک حکم را اجرا کند و سنت غلطی را از جامعه بر طرف کند، ولی به خاطر شرایط حاکم بر جامعه امکان ندارد از این رو مراتب ضعیف حکم را اعلام می‌نماید و کم کم مراتب شدیدتر را بیان و اجرا می‌کند. مثل مراتب برخورد قرآن با شراب‌خواری که در بین مردم رواج داشت، بنابراین همین که می‌توان با نسخ مشروط و تمهیدی و تدریجی به شبهات روز که در شبکه‌های ماهواره‌ای نیز پخش می‌گردد، پاسخ گفت، نشان دهنده کاربرد این نوع نسخ در پاسخ‌گویی قرآنی و تفسیری بر اساس مقتضیات زمان است.

۲-۶- راه کارهای برون متنی

همان گونه که در مقدمه بیان گردید، راه کاری است که با نظریه پردازی‌های بیرون از متن قرآن به دست آمده است. در ادامه به مهم‌ترین راه کارهای برون متنی پرداخته می‌شود:

یک. قضیه حقیقه بودن برخی از مهم‌ترین گزاره‌های قرآنی

شهید مطهری همچون علمای اسلام، قوانین اسلامی از جمله قوانین قرآن را قضایای حقیقی می‌داند که حکم روی عنوان می‌رود و در هر زمان بر مصادیق جدید تطبیق می‌گردد و از قبیل احکام خارجی و شخصی نیست که مخصوص مکان، زمان و افراد خاص است. علما معتقدند، اسلام که قانون وضع کرده، به شکل قضایای حقیقه وضع کرده؛ یعنی طبیعت اشیا را در نظر گرفته و روی طبیعت، حکمی برده. مثلاً گفته است خمر حرام است یا گوشت گوسفند حلال است و یا غصب حرام است (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۸۵: ۲۱/ ۲۸۶-۲۸۸). قوانین قرآنی در مورد اقتصاد، ارث، دیات، قصاص، حدود، ازدواج، طلاق و امثال آنها از باب قضایای حقیقی است که مربوط به زمان، مکان، اشخاص و فرهنگ خاص نیست و در تمام زمان‌ها و مکان‌ها جاری می‌شود (حسینی تهرانی، ولایت فقیه در حکومت اسلام، ۱۴۲۱: ۱/ ۲۳۳).

دو. نظریه منطقة الفراغ

شهید صدر نظریه «منطقة الفراغ» را در حوزه اقتصاد در کتاب «اقتصادنا» مطرح کرده است، لیکن این نظریه ظرفیت زیادی دارد که می‌تواند در حوزه‌های مختلف قرآنی همچون سیاست، مدیریت، تربیت کارآمد باشد و راه کاری برای پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای زمان

باشد. «منطقة الفراغ» از نظر شهید صدر عبارت است از: اموری که شارع در مورد آنها، حکم خاص بیان نکرده و احکام آنها را به دولت و ولی امر واگذار کرده است که طبق اهداف عام اسلامی و مقتضیات هر زمان بیان شود (صدر، اقتصادنا، ۱۴۱۸: ۳/ ۴۴۳). این نظریه ویژگی‌ها و لوازمی دارد که عبارتند از:

۱. منطقه الفراغ اقتصاد اسلام را متحرک می‌کند و روشن می‌سازد که اقتصاد اسلامی برای یک دوره نیست (همان، ۸۰۱).
۲. احکام پیامبر ﷺ در منطقه الفراغ احکام دایمی نیست، چون پیامبر به عنوان ولی امر حکم کرده نه به عنوان پیامبر (همان، ۷۹۹).
۳. احکام در این منطقه تطبیقی و بر اساس مصالح و اهداف است (همان).
۴. منطقه الفراغ برای تنظیم روابط انسان و طبیعت در ضمن یک عنصر متحرک وضع شده است و قابل تسری در حوزه اجتماعی یعنی روابط انسان با انسان‌های دیگر و ... نیز می‌شود.
۵. حاکم اسلامی ولایت شرعی در منطقه الفراغ دارد. (مثلاً در زمین‌ها و قوانین اقتصادی و...) حق تشریع دارد (همان، ۴۴۳).
۶. پیامبر در عصرش احکام منطقه الفراغ را بر اساس اهداف شریعت در ظرف اجتماعی که زندگی می‌کرده بیان کرده است (همان).
۷. منطقه الفراغ هم قوانین دارد و رها شده نیست که نقص شریعت باشد و ولی امر حق تدبیر دارد با تشریع ثانوی طبق ظروف. یعنی احکام الهی غیر از احکام حکومتی رسول و ولی الامر است (همان). قلمرو منطقه الفراغ، مربوط است به هر فعلی که از نظر شریعت مباح محسوب شود و در این صورت ولی امر می‌تواند با دادن یک صفت ثانوی به آن فعل، از آن منع کند یا بدان امر نماید. اما مواردی که حرمت عام تشریعی آن اثبات شده است مانند ربا، ولی امر نمی‌تواند در آن حقی داشته باشد؛ زیرا طاعت واجب از ولی امر، محدود است در حدودی که با طاعت خدا و احکام عامه در تعارض نباشد (همان، ۸۰۴). نمونه‌های احکام منطقه الفراغ در شریعت وجود دارد، مانند: نهی پیامبر از منع جدایی آب و چراگاه (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۵/ ۲۹۳) و فروش میوه قبل از به وجود آمدنش (حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۱۴۰۹: ۱۸/ ۲۱۵) و با توجه به موضوع منطقه الفراغ اسلام برای هر چیزی حکمی خواهد داشت. که می‌توانند پاسخگو با شرایط زمان باشد.

سه. تفسیر موضوعی

مطالعات موضوعی قرآن سابقه طولانی دارد، اما رشد تفسیر موضوعی قرآن پدیده‌ای نو آمد به شمار می‌آید که در چند دهه اخیر بالنده شده است. اما در دو دهه اخیر شیوه تفسیر موضوعی بالندگی خاصی پیدا کرد و تفاسیر متعدد در موضوعات متنوع نگاشته شد (ر.ک: رضایی اصفهانی، اعجازها و شگفتی های علمی قرآن، ۱۳۸۷: ۱۴).

الف) تفسیر موضوعی درون قرآنی

این شیوه کهن ترین روش مطالعه موضوعی قرآن است. که براساس روش تفسیر قرآن به قرآن استوار شده، و محقق می‌کوشد با استفاده از قرائن نقلی درون متنی به معانی و مقاصد آیات پی ببرد و نتایج جدیدی به دست آورد. پیش فرض های اساسی این روش تحقیق، حجیت ظواهر قرآن، اعتبار روش تفسیر قرآن به قرآن و اصل عدم اختلاف (به صورت تضاد و تناقض) در آیات قرآن است (ر.ک: رضایی اصفهانی، اعجازها و شگفتی های علمی قرآن، ۱۳۸۷: ۱۳).

ب) تفسیر موضوعی برون قرآنی

پایه گذار این شیوه شهید صدر است. ایشان با طرح این مسأله که باید در تفسیر موضوعی، موضوعات را از متن جامعه گرفت یعنی نیازها و مشکلات را به صورت پرسش به محضر قرآن عرضه کنیم و با جمع آوری آیات مرتبط و تفسیر موضوعی آنها، پاسخ خود را دریافت کنیم (صدر، المدرسة القرآنية، ۱۴۲۱: ۱۹/۲۳).

ج) تفسیر موضوعی میان رشته‌ای

یکی از حوزه های تحقیقات قرآنی، مطالعات بین تفسیر قرآن و علوم تجربی است که از دیرباز مورد توجه مفسران قرآن و برخی صاحب نظران و متخصصان علوم طبیعی و انسانی بوده است. تفسیر موضوعی با زمینه مطالعات میان رشته‌ای می‌تواند نیازهای روز را به وسیله قرآن پاسخ دهد. مطالعات میان رشته‌ای (نظریه مذکور توسط حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی رضایی اصفهانی به کرسی های نظریه پردازی ایران ارائه شده و در سال ۱۳۹۴ پیش کرسی آن در جامعه المصطفی العالمیه زیر نظر کرسی علوم نقلی کشور برگزار شده است) را این گونه تعریف کرده اند: آن چنان که در پیش کرسی نظریه پردازی توسط دکتر رضایی اصفهانی بیان شده است، تفسیر موضوعی میان رشته‌ای یعنی بررسی یک مسأله یا موضوع با دو رویکرد قرآنی و علمی و به دست آوردن مواضع وفاق و خلاف و در نهایت بهره گیری از موارد مشترک همراه با

اختصاصات قرآنی و نیز بهره‌گیری از موارد مثبت و صحیح دانش‌های جدید همراه با نفی موارد منفی و غیر صحیح از منظر قرآنی که منتهی به تولید دانش جدید میان‌رشته‌ای می‌شود. منظور از علوم در این نظریه، علوم تجربی اعم از علوم طبیعی و انسانی است هر چند که ثقل بحث بر محور علوم انسانی است (قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی، ۱۳۸۰: ۳۳۷).

چهار. راهکارها در حوزه منابع دین

منابع دین شامل قرآن، سنت و عقل و اجماع می‌شود. شهید مطهری به سه مورد اول اشاره کرده است.

الف) عقل تشریعی

برهان‌ها و داده‌های قطعی عقل معتبر است و عقل یکی از منابع دین و حجت باطنی به شمار می‌رود (ر.ک: کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۱/۳۵). شهید مطهری بر این باور است که اسلام بر اساس قانون‌گذاری، روی عقل به عنوان یک اصل تکیه کرده است، که فقها این مطلب را به طور قطع قبول کرده‌اند؛ این مسئله متضمن این مطلب است که اسلام تضادی میان عقل و منابع دیگر اگر قطعی باشند نمی‌بیند؛ احکام، تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند؛ یعنی واجب‌ها تابع مصلحت‌های ملزمه برای بشر است و حرام‌ها تابع مفاسد‌های ملزمه. مصلحت‌ها و مفاسد‌ها به منزله علل احکامند. حال اگر در جایی که قرآن یا سنت ساکتند، به حکم عقل، مصلحت یا مفاسد‌ای کشف شود، با ملاحظه روح اسلام که اگر مصلحت مهمی باشد اسلام از آن صرف‌نظر نمی‌کند و اگر مفاسد مهمی باشد اسلام اجازه نمی‌دهد فوراً به حکم عقل، حکم شرع کشف می‌شود. پس لزومی ندارد که در قرآن و سنت دلیلی باشد (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۸۵: ۲۱/۲۹۸-۲۹۹). بنابراین در مسائل شرعی اگر عقل به مصلحت یا مفاسد موضوعی رسید، حتی اگر از دیگر منابع حکمی برای آن نرسیده باشد، عقل می‌تواند حکم صادر کند.

ب) مرجعیت علمی اهل بیت (ع)

۹۳ شهید مطهری، سه مقام اساسی برای پیامبر اسلام برمی‌شمارد: مقام رسالت و ابلاغ احکام الهی؛ مقام داوری و قضاوت؛ مقام حکومت بر مردم. این سه مقام از پیامبر (ص) به امامان معصوم (ع) تفویض شده است و بدین‌سان خط نبوت به وسیله امامت استمرار یافته است. البته پیامبری او دیگر نایب‌بردار نیست، اما پیغمبر مبین احکام است. باید مشخص کند که بعد از

من احکام را چه کسی بیان می‌کند، با این تفاوت که پیامبر خودش هر چه احکام می‌گرفت از وحی الهی می‌گرفت، ولی شخص بعد از او باید احکام را از پیامبر گرفته باشد و به مردم ابلاغ کند. این همان امامت است. امامت، مقام علمی و مرجعیت علمی است. مقام قضاوت هم همین‌گونه است. با رحلت پیامبر ﷺ، مقام قضاوت نمی‌میرد، چون مردم به قضاوت احتیاج دارند. بعد از پیامبر هم، بین مردم مشاجرات صورت می‌گیرد و باید مقامی باشد که بین آنها فصل خصومت و قضاوت کند. بنابراین پیامبر باید تکلیف قضاوت را برای بعد از خودش مشخص کند که بعد از من چه کسی باید قاضی باشد. این مقام، مقام امامت است، مقام حکومت است. شهید مطهری استمرار امامت در ادامه نبوت را یکی از نعمت‌ها و امتیازات شیعه بر می‌شمارد که نقش مؤثری در حل مشکلات و پاسخ‌گویی به مسائل زمان داشته است. او می‌نویسد: «لهذا این امر، مشکل اقتضای زمان را برای ما شیعیان حل کرده است» (ر.ک: همان، ۱۵۰-۱۵۱).

سپس شهید مطهری اختیارات پیامبر و امامان معصومین و مجتهدان جانشین آنها را یکی از راه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای زمان می‌داند. پیامبر طبق اختیارات خودش عمل می‌کند. و لهذا مجتهد باید تشخیص دهد کدام کار پیامبر به وحی بوده و کدام کار پیامبر به موجب اختیار او، که چون به موجب اختیار خود پیامبر بوده تابع زمان خود پیامبر است، زمان که عوض شد ممکن است این‌گونه نباشد. این اختیارات از پیامبر به امام منتقل می‌شود و از امام به حاکم شرعی مسلمین. بسیاری از تحریم‌ها و تحلیل‌هایی که فقها کرده‌اند، که همه هم امروز قبول دارند بر همین اساس بوده است (ر.ک: همان، ۳۳۶-۳۳۷).

پنج. راهکارها در در حوزه روش‌ها و قواعد

استاد مطهری پیشنهادات دیگری به عنوان راهکارهای روشی و قاعده‌ای ارائه می‌دهد.

الف) اجتهاد پویا

یکی از راهکارهای مهم پاسخ‌گویی به مشکلات و پرسش‌های هر عصر اجتهاد پویاست که مجتهد بر اساس منابع معتبر یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع به استنباط می‌پردازد، و پاسخ لازم را به پرسش‌های زمانه ارائه می‌کند. شهید مطهری به این راهکار توجه ویژه داشته و اجتهاد را بر دلایل قرآنی استوار می‌کند و اجتهاد را قوه محرکه اسلام می‌خواند (همان، ۱۵۹). شهید مطهری عرصه‌های مختلفی را برای اجتهاد در دین مطرح می‌کند از جمله:

اول. تعیین مصادیق جدید

شهید مطهری یکی از کاربردهای اجتهاد را در استنباط مصادیق جدید از قرآن معرفی می‌کند و با ذکر مثالی می‌فرماید: در قرآن آمده است: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال/ ۶۰). و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن) آماده سازید؛ در حالی که بدان دشمن خدا و دشمنان و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که [شما] آنان را نمی‌شناسید [و] خدا آنها را می‌شناسد - بترسانید. و هر چه در راه خدا مصرف می‌کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد. اعدوا لهم ... امروز مصادیق جدیدی دارد که سلاح‌ها باید نسبت به زمان حاضر پیشرفت پیدا کند. تا بتواند قدرت باز دارندگی داشته باشد.

دوم. تشخیص موارد اهم و مهم

شهید مطهری، رعایت مصلحت اقوی و اجرای قاعده اهم و مهم را یکی از راه‌کارهای دینی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مقتضیات زمان می‌داند و معتقد است، همین مطلب به اسلام یک خاصیت جاویدان داده است که دستورها انعطاف پیدا می‌کنند؛ یعنی اگر در مقابل دو دستور از دستورهای دین قرار می‌گیریم و در آن واحد قادر نیستیم هر دو را اطاعت کنیم، باید فکر کنیم که از میان آن دو دستور کدام یک مهمتر است، آن را که اهمیت کمتری دارد، فدای آن که اهمیت بیشتری دارد می‌گردد (همان، ۱۶۸). یا مانند تشخیص بین رد شدن از زمین غصبی برای نجات یک شخص که، نجات زندگی یک فرد مهمتر است یا نرفتن در زمین غصبی، که قطعاً نجات جان یک فرد مهمتر است. شهید مطهری تشخیص صحیح موارد اهم و مهم را وظیفه مجتهد می‌داند که تشخیص صحیح داشته باشد، مهم‌تر را بگیرد و مهم را رها کند.

سوم. توجه نظام قانون‌گذاری

نظام قانون‌گذاری در قرآن و اسلام به گونه‌ای طراحی شده است که پاسخ‌گوی بسیاری از ۹۵ مشکلات و مسائل نوپدید جامعه بشری خواهد بود. شهید مطهری با عنایت به نقش عقل و اجتهاد در دین اسلام، به تأثیر سیستم قانون‌گذاری اسلامی و قرآن در پاسخ‌گویی به مسائل انسان معاصر و حل مشکلات او توجه داده است.

چهارم. قوانین ثابت و متغیر

شهید مطهری در این مورد معتقد است که نیازهای بشر دو گونه است: ثابت و متغیر. در سیستم قانون‌گذاری اسلام برای نیازهای ثابت، قانون ثابت وضع شده و برای نیازهای متغیر، قانون متغیر. ولی قانون متغیر قانونی است که اسلام آن را به یک قانون ثابت وابسته کرده و آن قانون ثابت را به منزله روح این قانون متغیر قرار داده که خود آن قانون این قانون، متغیر را تغییر می‌دهد، در واقع خود اسلام است که آن را عوض می‌کند (همان، ۳۲۶-۳۲۷).

پنجم. احکام اولیه و ثانویه

تغییر حکم اولی به ثانوی یکی از راهکارهای حل مشکلات بشر است. قرآن کریم این مطلب را مورد توجه قرار داده است، برای مثال: خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک حرام است، اما در هنگام اضطرار خوردن آنها را جایز اعلام کرده است. شهید مطهری نیز به این مسأله توجه کرده و نوشته است: گاهی ممکن است تکلیف مردم در دو زمان فرق کند: در یک زمان یا یک شرایط و یک مکان، یک امر حرام باشد، همان امر در زمان و شرایط دیگر حلال و گاهی واجب باشد (ر.ک: همان، ۲۸۹).

ششم. تفویض قانون‌گذاری در جزئیات به مردم

کلیات قوانین اسلامی در قرآن و سنت پیامبر بیان شده است، اما برخی از مقررات جزئی مشخص نشده است؛ چون در آن عصر نیاز به آنها نبوده است، مانند: قوانین راهنمایی و رانندگی، در این موارد مسلمانان حق دارند در چارچوب قوانین شرعی به وضع قانون و تنظیم امور زندگی خود بپردازند. و این یکی از راهکارهای پاسخ‌گویی به نیازهای زمان است (ر.ک: همان، ۱۱۷-۱۱۸).

هفتم. قوانین کنترل‌کننده

شهید مطهری در این باره معتقد است، در متن قوانین اسلام یک سلسله قوانین وضع شده که کارشان کنترل قوانین دیگر است و اسلام برای این قوانین کنترل‌کننده، حق «وتو» قائل شده است. گاهی دلیلی بر دلیل دیگر حاکم است (ر.ک: همان، ۳۳۵).

شهید مطهری به قاعده «لاضرر» و «لاحرَج» مثال می‌زند. این قاعده در تمام قواعد و قوانینی که اسلام در عبادات، معاملات و در هر مورد وضع کرده حاکم و ناظر است. مانند وجوب وضو برای نماز (مانده/ ۶) اما «قاعده لاضرر» می‌گوید: اگر وضو برای ضرر دارد، وضو نگیر، قاعده لاضرر و لاحرج در بسیاری از احکام و مسائل امروزی جاری و برای پرسش‌ها توان پاسخگوی ایجاد می‌کند.

ب) نقش زمان و مکان در اجتهاد

بر اساس نظر برخی فقها مانند امام خمینی رحمته الله علیه، زمان و مکان در موضوعات و احکام و اجتهاد تأثیر دارد و همین مطلب زمینه‌ساز پاسخ‌گویی اسلام به نیازهای انسان معاصر است. در این رابطه موضوعات و احکام و اجتهاد از قرآن نیز از آن تبعیت می‌کند چرا که زیرمجموعه کلی اسلام است. امام خمینی رحمته الله علیه در حوزه فقه، نظریه‌ای را به عنوان نقش زمان و مکان در اجتهاد بیان نمودند که تأثیر زمان و مکان را در تغییر موضوعات و در نتیجه تغییر احکام روشن می‌سازد. ایشان در سخنان مختلف در میان اقشار یا مصاحبه‌ها به این نکته اشاره نموده‌اند. به عنوان نمونه در مصاحبه با آقای «کرکروفت»، استاد دانشگاه روترکز آمریکا بیان کرده‌اند «قوانین اسلام همیشه با شرایط زمان و مکان قابل تطبیق است» (خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۵: ۲۹۳/۵). هر چند که این نظریه مربوط به فقه است، لیکن در مباحث قرآنی به ویژه آیات الاحکام راهگشا است و می‌تواند پاسخی برای مهم‌ترین پرسش عصر ما در مورد قرآن باشد که قرآن چگونه پاسخ‌گوی نیازهای انسان معاصر است؟ چنان‌که امام خمینی رحمته الله علیه در پیامی به مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان داشته است: «یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها است» (همان، ۲۱/۲۱۷). موضوع، عبارت است از شخص یا شیئی که فعلیت یافتن حکم متوقف بر وجود آن است؛ مانند عنوان «مسکر» در حرمت شرب خمر و عنوان «مستطیع» در وجوب حج (صدر، درس فی علم الاصول، ۱۳۹۷: ۱۵۸). متعلق در احکام به عقیده همه فقها همان افعال مکلفین و همان چیزی است که از بنده طلب می‌شود (نائینی، فوائد الاصول، ۱۳۷۶: ۱/۱۴۵). در ادامه به بررسی انواع تأثیر زمان و مکان در موضوعات پرداخته می‌شود:

اول. تغییر مصداق

برای تغییر مصداق مثال‌های فراوانی وجود دارد از جمله: موضوع وجوب حج عنوان مستطیع است؛ ولی ممکن است کسی در زمان خاص با توانایی مخصوص و محدود، مستطیع به حساب آید و در زمانی دیگر که تحقق عنوان استطاعت غنای بیشتری را می‌طلبد مستطیع نباشد، چنان‌که خصوصیت مکانی نیز ممکن است سبب چنین تغییر و تبدلی گردد. فقیر یکی از مصارف خمس و زکات است؛ ولی مصداق آن با اختلاف زمان و مکان تغییر می‌کند، زیرا ممکن است در یک مکان به کسی با درآمد محدودی فقیر اطلاق شود و در مکانی دیگر به کسی که از درآمدی بالاتری نیز برخوردار است، زیر خط فقر اطلاق شود (حکیم، الاصول العامه للفقهاء المقارن، ۱۴۱۸: ۲۷۵).

دوم. تبدیل موضوع با تغییر درونی آن

مانند آنچه در احکام مطهرات ذیل عنوان استحاله، انتقال و انقلاب ذکر شده است. مراد از استحاله در اینجا استحاله موضوع پیشین و تبدیل آن عرفاً به موضوع دیگر است و دلیل بر مطهریت استحاله این است که با استحاله، موضوع جدیدی غیر از آن موضوعی که به نجاستش حکم شده بود، به وجود می‌آید (خویی، التتبیح فی شرح العروة الوثقی، ۱۴۱۸: ۳/۱۶۸).

سوم. توسعه و تعمیم مصداق

طبق منابع روایی، احتکار منحصر در چند نوع مواد غذایی خاص است؛ ولی برخی از فقها موارد احتکار را محدود به این مواد غذایی نمی‌دانند، چون ملاک و معیار تشریع آن نجات مردم از تنگناهای اقتصادی به هنگام عسر و حرج است و موضوع واقعی حرمت احتکار کمبود اقتصادی است که سبب عسر و حرج می‌شود. در نتیجه مصادیق جدیدی با گذشت زمان و تغییر مکان بر آنچه در روایت ذکر شده، اضافه می‌گردد (ر.ک: خویی، مصباح الفقاهة، ۱۴۱۷: ۵/۴۹۷).

چهارم. تضییق و تخصیص مصادیق

زمینی که احیا شود طبق اطلاق روایاتی از قبیل «من أحیا أرضاً مواتاً فهي له» (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷: ۷/۱۵۲) به ملکیت احیاکننده در می‌آید؛ ولی گذشت زمان و پیشرفت وسایل کشاورزی باعث کشف دقیق موضوع و در نتیجه سبب تضییق و تخصیص مصادیق موضوع احیا به مواردی می‌شود که مایه سلطه اقتصادی و طبقاتی نشود و به حدودی که حاکم آن را تعیین می‌کند، محدود گردد.

پنجم. پیدایش مصادیق جدید

در بستر زمان و مکان و تأثیر عوامل گوناگون، مصادیق جدیدی برای موضوعات احکام پدیدار می‌شود و مسائل جدیدی را وارد فقه می‌کنند؛ موضوعات جدیدی مانند بورس اوراق بهادار، حقوق و مالکیت‌های فکری (حق التألیف، حق الاختراع، حق الطبع، حق الانتشار) که هر یک نیازمند حکم خاص خود است و نوعاً تحت عموماً و اطلاقاتی، همانند: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مانده/ ۱) «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره/ ۲۷۵) و «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ» (اسراء/ ۳۴) قرار می‌گیرند. درست است که این قبیل موضوعات جزء مسائل مستحدثه محسوب می‌شود؛ ولی چون شباهتی به تأثیر زمان و مکان در موضوعات دارد در اینجا به آن اشاره شد.

شش. توجه به عرف در تطبیق قرآن با زندگی معاصر

یکی از مطالبی که قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام بدان اشاره کرده‌اند نقش عرف در زندگی است که این مطلب می‌تواند پاسخی دیگر به مهم‌ترین پرسش عصر ما باشد که می‌پرسند: قرآن کریم که با توجه به جامعه عرب صدر اسلام و آداب و رسوم آن نازل شده است چگونه می‌تواند پاسخ‌گوی جوامع امروزی با آداب و رسوم متفاوت باشد؟ می‌توان گفت: عرف و معروف علاوه بر مطالب مورد پذیرش عقل، شرع و فطرت، شامل آدابی است که نزد عقلا پذیرفته شده و مردود نباشد. یعنی هنجارهای اجتماعی که مورد پذیرش عقل اجتماعی است. قرآن معیار هنجارهای اجتماعی را عرف شرعی قرار داده و امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه فردی و اجتماعی مسلمانان می‌داند. که تربیت فردی و اجتماعی مخاطبان بر اساس آنها شکل می‌گیرد (خمینی، تحریر الوسیلة، ۱۳۷۶: ۳۶۳). اینجاست که شناخت معروف و منکر و به عبارت دیگر شناخت عرف، مهم جلوه می‌کند. ممکن است در فرهنگ و عرف هر ملتی، خرافاتی نیز وجود داشته باشد که به عنوان آداب صحیح تلقی شود، بنابراین لازم است معیارهایی برای آداب و عرف صحیح از غیر صحیح ارایه گردد. به نظر می‌رسد آداب و عرف صحیح آن است که: اولاً. مورد پسند عقل یا وحی یا فطرت انسان باشد؛ ثانیاً. مخالف محکومات عقلانی، و حیانی و علمی نباشد وگرنه خرافه به شمار می‌آید. در احادیث برخی آداب عرفی در مورد غذا خوردن، راه رفتن، لباس پوشیدن و... اشاره شده است. هنگامی که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به آن حضرت عرض کرد که، امام علی علیه السلام لباس خشن و ارزان قیمت می‌پوشید ولی شما لباس جدید بر تن می‌کنید حضرت فرمود: امام علی علیه السلام در آن زمان لباسی می‌پوشید که ناپسند نبود ولی اگر امروز می‌پوشید مشهور می‌شد. سپس فرمود: «فَخَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۲۹: ۱/ ۴۱۲)؛ بهترین لباس هر زمان، پوشش مردم آن (عصر) است.

از این‌گونه احادیث استفاده می‌شود که لباس تابع عرف است و نباید پدر و مادر یا مربیان و معلمان و مسئولان جامعه بر یک نوع لباس تعصب ورزند و نسل جدید را بر پوشیدن لباس‌های سنتی خود اجبار کنند. اگر عرف از مواردی باشد که دلیلی بر نفی و اثبات آن از سوی شارع وارد نشده باشد، محکوم به اباحه ظاهری است (ر.ک: حکیم، الاصول العامه للفقهاء المقارن، ۱۴۱۸: ۴۲۳؛ سبزواری. تهذیب الاصول، ۱۴۱۴: ۱/ ۱۹۶؛ ولایی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ۱۳۸۷: ۱/ ۳۹۰).

برخی آداب عرفی در اموری مثل غذا خوردن، غیر از موارد غذاهای حرام، لباس پوشیدن غیر از موارد واجب مثل حجاب و شیوه راه رفتن، خوابیدن، خانه ساختن، مراسم ازدواج، غیر از مسائل شرعی شیوه‌های معاشرت و دیگر موارد از اموری است که از عرف اخذ می‌شود و بر اساس آن مردم هر قوم و ملت تربیت می‌شوند (ر.ک: آملی، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم، ۱۴۲۲: ۲/ ۱۵۷).

برخی شیوه‌ها و آداب معاملات، غیر از امور شرعی بر اساس عرف هر کشور انجام می‌شود که برخی مقررات قانونی نیز در این مورد از عرف گرفته می‌شود که مردم بر این شیوه‌ها و آداب تربیت می‌شوند (ر.ک: علیدوست، فقه و عرف، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۷۶). تشخیص برخی موضوعات معمولاً در شریعت به عهده عرف گذاشته شده است که اهل خبره یا عرف عمومی تعیین‌کننده آن هستند. مثل قیمت اشیاء و مبلغ فطریه و جنس آن و... که مردم بر این شیوه تربیت می‌شوند (ر.ک: همان، ۳۵۳-۳۸۷). شناخت عرف زمانه و قلمرو آن و حدود شرعی آن در پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای انسان معاصر مؤثر است.

هفت. ابتناء علوم انسانی بر قرآن

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای (دامت برکاته) از نظریه پردازان این عرصه است. ایشان در موارد متعددی به لزوم تحول در علوم انسانی اشاره کرده و شیوه آن را استفاده از قرآن کریم در مبانی این علوم بر شمرده است. این دیدگاه از آن جهت مهم است که مهم‌ترین مشکل شرق در مواجهه با علوم انسانی ساخته غرب، آن است که علوم انسانی عصر جدید در غرب بر اساس مبانی اومانیستی و سکولاریستی و... مورد پذیرش فرهنگ غرب شکل گرفته است و به همان صورت ترجمه و در اختیار دانشجویان کشورهای شرقی قرار گرفته است که به صورت ناخودآگاه ذهن بسیاری از آنان را همسو با فرهنگ غرب می‌سازد و نوعی تسلط فرهنگی و استعمار نور را سامان می‌دهد. رهبر معظم انقلاب، با تیز بینی به این مشکل توجه کرد و راهکار قرآنی برای آن ارائه کرد. از دیدگاه معظم له علوم انسانی جهت دهنده و فکرساز است و مسیر و مقصد حرکت جامعه را تعیین می‌کند. می‌توان گفت یکی از دلایل مهم تأکید ایشان بر علوم انسانی این است که ایران کشوری در حال توسعه است و برای پیشرفت و توسعه، الگوی کاملی لازم است که مقصد و مسیر براساس آن روشن می‌شود. تعیین این الگو و معیارها و شاخص‌های توسعه بر عهده علوم انسانی می‌باشد. چگونگی تفسیر هستی‌شناسانه

از انسان و این که او را موجودی تک بعدی و یا دو بعدی بدانیم تأثیر عمیقی بر نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد و بر همین اساس الگوی توسعه تعیین می‌شود (حسینی خامنه ای، بیانات، دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه‌های کردستان، ۸۸/۲/۲۷). مهم‌ترین ارشادات رهبری در این رابطه به قرار ذیل می‌باشد:

اول. تولید علم و نظریه‌پردازی

یکی از مهم‌ترین ارکان استقلال و پیشرفت کشور تولید علم در همه ابعاد آن است و بدیهی است که از جمله این علوم، علوم انسانی می‌باشد زیرا این علوم نقشه راه و الگوی توسعه را می‌نمایاند (همان).

دوم. استفاده از دانش‌های روز با نگاه نقادانه

رهبر فرزانه انقلاب بارها متذکر شده‌اند که انتقادی که به شیوه اخذ علوم از غربی‌ها دارند، به معنای نفی کامل این علوم نمی‌باشد. ایشان ارتباط با علوم روز را لازم می‌دانند، ولی هشدار می‌دهند که این رابطه به شکل یک‌طرفه و پذیرش تام نباشد. بنابراین باید با نگاه نقادانه آنها را ارزیابی کرد تا معلوم شود قابل پذیرش هستند یا خیر و در صورت پذیرش آیا نیازمند اصلاح هستند یا خیر. «بنشینید فکر کنید؛ نظریه‌پردازی کنید؛ از موجودی این دانش‌ها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را برملا کنیم. این از جمله کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است» (همان).

سوم. استفاده از میراث علمی - فرهنگی داخلی

از دیگر اموری که باید مورد توجه قرار گیرد، موارد گران‌بهای علمی گذشتگان ایرانی و اسلامی است. آنچه در اینجا مهم است اصل توجه به این سرمایه ملی - اسلامی ارزشمند است. این مسئله بسیار مهم بارها مورد تأکید رهبری معظم قرار گرفته است (همان، دیدار با نخبگان جوان، ۸۶/۶/۱۲).

چهارم. توجه ویژه به آموزه‌های قرآنی

- ۱۰۱ از توصیه‌های مهم و مؤکد مقام معظم رهبری، انجام پژوهش‌های قرآنی در زمینه علوم انسانی و پایه‌گذاری این علوم بر مبانی قرآنی است. از آنجا که قرآن کتاب هدایت انسان است، او را از جهات مختلف مورد توجه قرار داده است. بنابراین توجه به آموزه‌های قرآنی و ابتنای نظریه‌های مربوط به علوم انسانی بر قرآن نه تنها ممکن بلکه بسیار ضروری می‌باشد (همان: دیدار با جمعی

از بانوان قرآن پژوه کشور، ۸۸/۷/۲۸). براساس این سخن استفاده از نظریات دیگران متوقف بر این است که پیش از آن پژوهش های قرآنی صورت گرفته باشد و نظر قرآن گرفته شده باشد. نهایتاً می توان گفت که اگر دانشمند علوم انسانی با مبنای قرآنی به نظریه پردازی در آن حیطه بپردازد، خود راهکاری برای تفسیر قرآن بر اساس مقتضیات زمان و مکان است.

نتیجه

تفسیر قرآن، براساس مقتضیات زمان مبتنی بر اصول و مبانی تفسیری است که اساس و پایه علم تفسیر است که رویکرد خاص مفسر در تفسیر را معین می کند. اعتقاد و یا عدم اعتقاد به این مبانی در تفسیر به اقتضای زمان می تواند موثر و مبنای باشد و استفاده از ضوابط معتبر در تفسیر که زمینه تفسیر درست را فراهم و مفسر را از تفسیر خطا و تفسیر به رای حفظ می کند. شهید مطهری در مورد مهم ترین پرسش عصر ما، که می پرسند: چگونه قرآن که صدها سال قبل خطاب به مردم جزیره العرب نازل شده است پاسخگوی نیازهای انسان معاصر است؟ راهکارهای مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام)، عقل تشریعی را ارائه می دهد و افراد دیگری مانند: آیت الله معرفت با ارائه بطن پژوهی مرحله ای و نسخ پژوهی و شهید صدر با ارائه نظریه منطقه الفراغ. امام خمینی (علیه السلام) در زمینه فقه پویا و تعمیم آن به دیگر ساحت های دین، نظریه پذیرش تأثیر زمان و مکان را بر حکم به وسیله تغییر موضوع بر اثر شرایط را ارائه داد. عرف با توجه به تشخیص برخی موضوعات در حیطه حقیقت عرفیه، می تواند در تغییر و تبدیل آن موضوعات و یا گسترش و تضییق دایره مصادیق آنها، حکم را نیز تغییر دهد. و موارد دیگری که ذکر شد این ظرفیت را برای قرآن در پاسخ گویی به پرسش ها و نیازها به اقتضای زمان فراهم کند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد علی رضایی اصفهانی و همکاران، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ ق، چاپ سوم.
۴. ایازی، محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۵. ایازی، محمد علی، قرآن اثری جاویدان، رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۱ ش.
۶. ایازی، محمد علی، قرآن و تفسیر عصری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۷. البحرانی، سید هاشم الحسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: دارالکتب العلمیة، ۱۳۳۴.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ق.
۹. حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانات...: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۰. حکیم، محمد باقر، علوم قرآنی، ترجمه: محمد علی لسانی فشارکی، تهران: تبیان، ۱۳۷۸ ش.

۱۱. حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقہ المقارن، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۱۸ق، چاپ دوم.
۱۲. خمینی، روح الله، آداب الصلوة، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰ش.
۱۳. خمینی، روح الله، تحریر الوسيلة، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶ش.
۱۴. خمینی، روح الله، تهذیب الأصول، قم: دار الفکر، ۱۳۸۲ش.
۱۵. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵ش.
۱۶. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۸۰ش.
۱۷. خویی، ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۴ق.
۱۸. خویی، ابو القاسم، التتقیح فی شرح العروة الوثقی، قم: تحت اشراف جناب آقای لطفی، ۱۴۱۸ق.
۱۹. خویی، ابو القاسم، مصباح الفقاهة، قم: انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۲۰. دامن پاک مقدم، ناهید، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۰ش.
۲۱. رازی، محمد بن عمر فخر الدین، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۲. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
۲۳. رحمتی، انشاءالله، هنر و معنویت، فرهنگستان هنر، ۱۳۹۴ش.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، اعجازها و شگفتی های علمی قرآن، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱ش.
۲۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی، ۱۳۸۷ش.

۲۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم: اسوه، ۱۳۷۵ ش.
۲۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، دیدگاه‌ها در باره تأثیر عنصر زمان و مکان بر اجتهاد، مجله حضور، ۱۳۷۵ ش، ش ۱۵.
۲۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، راهکارهای پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای جامعه معاصر با تأکید بر نظرات شهید مطهری، کوثر معارف، ۱۳۸۷ ش، ش ۶، ص ۸۰-۴۵.
۳۰. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن، قم: جامعه المصطفی، ۱۳۸۷ ش.
۳۱. سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی/مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.
۳۲. سعیدی روشن، محمد باقر، علوم قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۳۳. سید رضی، نهج البلاغة، تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۳۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الإتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ ق.
۳۵. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش‌های تفسیری (شاکر)، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۳۶. شرقاوی، عفت، الفكر الديني في مواجهة العصر (اتجاهات التفسير في مصرفي العصر الحديث)، بیروت: دار العوده، ۱۹۷۹ م، الطبعة الثالثة.
۳۷. صدر، محمد باقر، اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر)، قم: مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۴۲۴ ق.
۳۸. صدر، محمد باقر، المدرسة القرآنية، موسوعة الشهيد صدر، قم: مكتبة الصدر، ۱۴۲۱ ق.
۳۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۴۰. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد ﷺ، قم: مكتبة آيت الله المرعشي النجفي ﷺ، ۱۴۰۴ ق.

۴۱. طاهری، حبیب الله، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۴۲. طاهری، حبیب الله، درس‌هایی از علوم قرآنی، قم: اسوه، ۱۳۷۷ش.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۴۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ق.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۷. علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۴۸. علیدوست، ابوالقاسم، فقه و عرف، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ش.
۴۹. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۵۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر قرآن، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۵۱. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۵۲. فرامرز قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ش.
۵۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۵۴. فقیه، محمدتقی، قواعد الفقیه، بیروت: دار الاضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
۵۵. فیروزان، ت. روش تحقیق محتوا، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۰ش.
۵۶. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش.
۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.

۵۸. کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی، مجموعه مقالات قرآن و علوم انسانی، جریان شناسی و شخصیت‌ها، (زیر نظر: محمدعلی رضایی اصفهانی)، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۶ش.
۵۹. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ ق، چاپ پنجم.
۶۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: موسسه الوفاء/ دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۶۱. مجلسی، محمد باقر، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
۶۲. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا، ۱۳۸۶ش.
۶۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش.
۶۴. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد: الجامعة الرضویه للعلوم الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش.
۶۵. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، قم: التمهید، ۱۳۸۳ش.
۶۶. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۶۷. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم: موسسه فرهنگي تمهید، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش.
۶۸. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی (معرفت)، قم: موسسه فرهنگي التمهید، ۱۳۷۸ش.
۶۹. مغنیه. محمد جواد، ترجمه تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸ش.
۷۰. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.

۷۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
۷۲. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۷ق.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر، مبانی تفسیر قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، ۱۳۹۵ش.
۷۴. ولایی، عیسی، فرهنگ اصطلاحات اصول، تهران: نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۸۷ش.